

# ضرورت تصریح نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در قانون اساسی



دوره هفتم، سال اول، شماره ۳۱  
دوشنبه ۴ خرداد ماه ۱۳۵۸  
تک شماره ۱۵ ریال

**در صفحات بعد:**

- چو محافل شاه مخلوع را به صحنه می آورند و هدهدشان چیست؟ صفحه ۶
- استقلال ایران ایجاب میکند که قرارداد ۲ جانبه نظامی با آمریکا فوراً لغو گردد. صفحه ۳
- محور مرکزی داوری درباره افراد و جمعیت ها... صفحه ۲
- افسانه دهنه شرق و نه غرب... صفحه ۶
- ۲ برداشت متناقض از مسأله مهم نقش ارتش و نحوه نوسازی آن... صفحه ۳

## به یاد رفیق شهید هوشنگ تیزابی



روز پنجشنبه هفتم تیرماه ۱۳۵۸، ساعت ۶/۵ بعد از ظهر در زمین چمن دانشگاه صنعتی مراسمی بمناسبت ششمین سالروز شهادت بهرمان توده ای، هوشنگ تیزابی برگزار خواهد شد.

از همه اعضاء، هواداران و دوستداران حزب و از همه عناصر میهن پرست، آزادپخواه و مترقی دعوت میشود که در این مراسم شرکت کنند.

دبیر خانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

## دشواری های شگرف سالم سازی جامعه ما

بسی کدام راه رشد؟  
باتکاء کدام نیروی اجتماعی؟

رژیم استبدادی دوست نشاندۀ محمدرضا پهلوی و پدرش رضا پهلوی از تبه سنگینی برای جامعه پس از انقلاب باقی گذارده است. کربانباری و نورس این ارتبه بویژه طی بیست و پنجسال اخیر حکومت سلطنتی - فاشستی و نواستعماری محمدرضا پهلوی برآب و میراث بیشتر از گذشته شده است. انقلابیونی که این رژیم را با سهولت نسبی برانداختند، اینک برای نوسازی جامعه، سالم سازی اقتصاد و سیاست جامعه، پادشاهای عظیمی رو برو هستند تا سرانجام قادر شوند تثبیت ثبونی بسود اکثریت محروم جامعه بپدید آورند. اینکار به تلاش نه فقط عظیم، بلکه فوق العاده منجمده ای نیازمند است. اینکار روندی است پرفراز و نشیب که هنوز باید از مراحل و مدارج مختلف فشن بندی و لبردهای درونی بگذرد.

## قطعنامه هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران

هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، جریان مصاحبه رفیق ایرج اسکندری را با مجله تهران-مصور (مورخ ۲۵ خرداد و اول تیر ۱۳۵۸) مورد بررسی قرار داد و به اتفاق آراء به نتایج زیرین رسید:

۱- نوشته مجله تهران مصور، که بنام مصاحبه با رفیق ایرج اسکندری انتشار یافته، حاوی مطالبی است متناقض با سیاست حزب، تحریفی است در تاریخ حزب و جنبش انقلابی ایران، توطئه ای است برای پائین آوردن جمعیت و اعتبار حزب ما.

۲- رفیق اسکندری در مصاحبه ای که با روزنامه مردم کرده است، در مورد این تحریفات موضع گیری روشن خود را بیان خواهد کرد.

## مصاحبه «مردم» با رفیق ایرج اسکندری

روزنامه «مردم» برای روشن ساختن تحریفات مجله تهران مصور، مصاحبه ای با رفیق ایرج اسکندری بعمل آورد، که در زیر به اطلاع خوانندگان گرامی میرسد.

س- در مورد اتهام وابستگی که به حزب توده ایران زده میشود، نظر شما چیست؟

ج- این ادعا از بنیاد نادرست و مغرضانه است. اتهام وابستگی حزب ما به اتحاد شوروی نازکی ندارد. این تهمت است که به همه احزاب طبقه کارگر در جهان از طرف ارجاع و امریالیسم زده میشود و برای حزب ما هم نوبت نیست. اتهام وابستگی بر اساس مغلطه ای استوار شده است که خصلت انترناسیونالیستی حزب طبقه کارگر را با تبهت احزاب یا دولتهای سوسیالیستی مخلوط میسازد و چنین وانمود میکند که گویا ایران وابستگی برادرانه و متقابل نوعی وابستگی به سیاست حزب پادشاه دیگر است.

بر اساس این مغلطه است که دائماً از جانب دشمنان و مخالفان حزب، خصلت مستقل و ملی حزب توده ایران نفی میشود.

اصولاً وحدت ایدئولوژی موجب هم فکری در یک رشته بقیه در صفحه ۴

## حزب توده ایران نخستین سازمان سیاسی است که درباره پیش نویس قانون اساسی اظهار نظر کرده.

کمیته مرکزی حزب توده ایران، اصلاحات مورد پیشنهاد خود را درباره پیش نویس قانون اساسی، در تاریخ دوم تیرماه ۱۳۵۸، کتاباً و رسماً به اطلاع نخست وزیر دولت موقت جمهوری اسلامی ایران رساند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران اظهار نظر خود را درباره اصلاحات مورد پیشنهاد خود را اعلام داشته است.

حزب توده ایران نخستین سازمان سیاسی است، که پس از انتشار پیش نویس، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نظر اصولی خود را درباره این قانون اعلام کرد. این حزب در عین حال نخستین سازمان سیاسی است که خطوط عمده نظرات اصلاحی خود را، طی نامه سرگشاده ای در معرض قضاوت دولت موقت و افکار عمومی قرار داد. و این از جانب کمین ترین و پایدارترین حزبی که پیوسته در راه استقلال و آزادی مبین عزیزما ایران و در راه احقاق حقوق اکثریت مستمندی مردم، در یک کلام علیه امپریالیسم جهانی و عمال داخلی آن و در راه حقوق و آزادی های دموکراتیک مبارزه می-امان کرده و هزارها قربانی داده است، امری است کاملاً طبیعی و قابل درک. در نامه سرگشاده کمیته مرکزی حزب توده ایران فقط به موارد و مسائل عمده ای که بنظر حزب توده ایران، تصریح آنها در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ضرورت حاتی دارد، اشاره شده است، اینها مسائلی هستند که هدف های عمده انقلاب بزرگ مردم قهرمان ایران را تشکیل میدادند و اکنون که مرحله اول انقلاب، یعنی مرحله تخریب و کوبندگی به پیروزی های چشمگیر رسیده و دوران سازندگی آن آغاز گردیده است، این هدف ها باید به مثابه دستاوردهای عمده انقلاب در قانون اساسی، یا قانون قانونها، از لحاظ حقوقی تثبیت گردد، تا راه نمائی برای ابتکار و سازندگی مردم ایران، رهنمودی برای وظائف دولت هائی که بر سر کار می آیند، تضمینی برای پیشگیری از انحراف از هدفها و آرمانهای والا ی انقلاب و تکیه گاهی قضائی برای مبارزه با دشمنان انقلاب باشد.

مادریا به تشریح بخش اول اصلاحات پیشنهادی حزب، که در واقع شاخص و تعیین کننده نظام اقتصادی- اجتماعی جامعه است که تمام مبارزان اصل و راستین انقلاب بنیانگذاری آنرا در شرایط کنونی هدف خود قرار داده بودند، بپردازیم. تصریح و تثبیت نظام اقتصادی در قانون اساسی ضرورت حاتی دارد. این ضرورت از آنجا ناشی میشود که هدف انقلاب ایران، ایجاد یک جامعه توحیدی، یعنی جامعه ای که بتدریج باید به وحدت مادی و معنوی برسد و استثمار فرد از فرد در آن برافند، اعلام شده است. و بطوریکه تجربه زندگی طی قرون و اعصار نشان داده، پراکندگی مادی و معنوی و وجود استثمار و استعمار، از چگونگی نظام اقتصادی- اجتماعی ناشی میشود. اگر نظام اقتصادی راه را بر تمرکز و تکالر بربند و بار ثروت درست عده معدودی هموار سازد، این امر باعث تمرکز قدرت (اعم از قدرت سیاسی، نظامی، امنیتی و...) در دست این عده قلیل خواهد شد. با افزایش تراکم زر و زور در یک قطب، فقر و استثمار در قطب دیگر با تصاعد هندسی افزایش خواهد یافت و انقلاب از هدف اصلی خود، یعنی ایجاد جامعه توحیدی، منحرف خواهد شد. به همین دلیل حزب توده ایران بیان صریح و دقیق آن نظام اقتصادی را که راهگشا و زمینه ساز برای لیل به آرمان توحیدی جامعه ما است، در قانون اساسی ضرورت حاتی میداند.

این نظام، بطوریکه در پیشنهاد اصلاحی آمده است، از لحاظ اقتصادی، یا دقیق تر از نظر چگونگی و شکل مالکیت بر سه ستون یا سه پایه استوار است:

- ۱- مالکیت دولتی یا مالکیت عمومی خلق، که بر پایه آن بخش دولتی بوجود می آید؛
- ۲- مالکیت تعاونی یا مالکیت گروهی، که بر پایه آن بخش تعاونی ایجاد میگردد؛
- ۳- مالکیت خصوصی یا مالکیت فردی، که بر پایه آن بخش خصوصی تشکیل میشود.

بقیه در صفحه ۴

## اصول سیاست خارجی دولت موقت ناروشن است

سیاست خارجی را «حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور و ایجاد دوستی با تمام کشورها در جامعه بشری» و نیز «توسعه کشور» اعلام می دارد. کدر همین حد، ناقص است. ناقص است، بدلیل اینکه دوستی با تمام کشورها می بایستی بر اساس برابری حقوق، احترام متقابل و سود متقابل باشد و الا رژیم پهلوی هم با ایالات متحده آمریکا «دوست» بود. و هدفهای بسیار مهمی، مثلاً نظیر صلح، صلح منطقه ای و جهانی نشد است.

پس از بهمان مبانی و هدفهای سیاست خارجی، آقای دکتر یزدی سه اصل مبتنی بر این مبانی و برای رسیدن باین هدفها را ذکر میکند:

اصل اول، سیاست خارجی مستقل، عدم تمهد بقیه در صفحه ۵

آقای دکتر یزدی، وزیر امور خارجه، که در شماره ۲۶ خرداد روزنامه ها نیز انتشار یافت، گوش کرده است که مبانی و اصول سیاست خارجی دولت موقت را برشمرد.

این گوش به نظر ما ناموفق است، بدو دلیل، اول اینکه مبانی و اصول سیاست خارجی ایران می بایستی رسماً تدوین و از جانب مراجع صلاحیت دار تصویب و منتشر گردد، چنین اقدامی هنوز انجام نکرده است. دوم اینکه، بنظر میرسد خود آقای وزیر امور خارجه نسبت به مبانی و اصولی که می بایستی ناشی از ماهیت انقلاب پیروزمند ایران باشد، تصور روشنی ندارد و یا از این دیدگاه به سیاست خارجی نمی نگرد.

ابتدا وزیر امور خارجه مبانی و هدفهای

## قرارداد دو جانبه نظامی ایران و آمریکا باید بدون درنگ لغو شود





# افسانه نه شرق و نه غرب

## تمیز دوست از دشمن از وظایف مهم انقلاب است

اشتباه در تشخیص دوست از دشمن و تمیز متحد از منافق، خطری مهلك برای مبارزان واقعی در بر دارد. این خطری است که هم اکنون، به اشکال مختلف، انقلاب مردم مبین ما را تهدید میکند. این خطر بخصوص از آن جهت جدی است که ضد انقلاب و پشتیبانان امپریالیستی آن میکوشند با تبلیغات برداشته و حیل‌های رنگارنگ، نیروهای انقلابی را در تشخیص دوست از دشمن گمراه سازند و مبارزه مردم ایران را به بیراهه بکشانند.

زمانی بود که رژیم سرسپرده پهلوی، برای فریب افکار عمومی، مدعی بود که نه راه شرق را می‌پیماید و نه راه غرب را، همانقدر که از شرق فاصله میکشد، از غرب هم دوری میجوید. این رژیم دست‌نشانده میخواست با این «فصله‌گیری» خود را مستقل، جا بزند و وابستگی خائفاً نه خویش را به امپریالیسم جهانی، و بویژه به امپریالیسم آمریکا، از نظر مردم مبارز ایران نهان دارد. این رژیم متغیرو برای چشم‌بندی، گاه در ظاهر نام امپریالیسم و حتی امپریالیسم آمریکا را پیش میکشید تا برای مضمون کردن «کمونیسم بین‌المللی» به «مداخله در امور داخلی ایران» دست بازتری داشته باشد. امپریالیسم نیز که بر ماهیت این تبلیغات و هدف این شمشه‌بازها بخوبی آگاهی داشت و حتی خود را نام‌گرا نبود، بر این شکر در رژیم پارسی‌خندی موزیانه و چشمکی تابید امیز میگریست.

اپورتونسم «چپ»، که در سیمای کره به ما تونیم تبلور یافته بود، در این بازی مکارانه به یاری امپریالیسم جهانی و ارتجاع داخلی میشتافت و با اشاعه یک مشت دروغ درباره کشورهای به اصطلاح «فنی» و «دقیق»، «روستای شرق» و «غرب» و «اشاعه‌هایی درباره «سوسیال امپریالیسم» و «دو ابر قدرت»، که برخی از آنها را از خود امپریالیسم بعاریت گرفته بود، همان کاری را میکرد که شاه مخلوع و امپریالیسم از بابش.

این داستان مال دورانی بود که مردم قهرمان ایران در راه سرنگون کردن رژیم شاه مخلوع و بر انداختن سلطه امپریالیسم به نبرد خونین برخاسته بودند. اینک که این مرحله از مبارزه را پشت‌س نهاده‌ایم، بازگروه‌ها و عناصری یافت می‌شوند که دوباره باین شیوه‌ها و شکردهای ناروا متوسل میشوند. هر گاه که امپریالیسم ضرت خورده و زخم دیده، با تمام فرمایگی و درندگی خود، در برابر انقلاب ایران قند بر می‌کند و غرب به مداخله آشکار و پنهان در امور داخلی ایران میپردازد و به تحریک و خرابکاری دست می‌بازد. این گروه‌ها و عناصر، برای بهمان کشیدن پای کشورهای سوسیالیستی، کلمه «شرق» را نیز، گوئی برای تکمیل وزن، به کلمه «غرب» می‌افزایند این گروه‌ها و عناصر چنان عمل میکنند که گوئی میان «شرق» و «غرب»، یا کشورهای سوسیالیستی و کشورهای امپریالیستی، در ارزیابی مبارزه مردم ایران و انقلاب ایران تفاوتی وجود نداشته و ندارد. آیا واقفاً چنین است؟

مگر مردم ایران خود بی‌چشم ندیدند و با پوست و گوشت خود احساس نکردند که زمانی که امپریالیسم، و خصوصاً امپریالیسم آمریکا، با جنگ و دندان از رژیم شاه مخلوع دفاع میکرد، کشورهای سوسیالیستی، و بخصوص اتحاد شوروی، به پشتیبانی از مردم مبارز ایران برخاستند؟ مگر زمانی که آمریکا نیروهای دریائی خود را بسوی سواحل جنوبی ایران گسیل میداشت، لئونید برژنف، با اختطاری قاطع، این امپریالیسم درنده را از مداخله در امور داخلی ایران بر حذر نمیکرد؟ و اکنون که انقلاب مردم ایران با سطرزیم شاه مخلوع را بر چیده و ضربات مهلك بر پیکر امپریالیسم وارد آورده است، این کدام کشور است که به تحریک و خرابکاری در ایران میپردازد و از ضد انقلاب پشتیبانی میکند؟ این «شرق» است یا «غرب»؟

هدف از این منظره چیست؟ نشان دادن «استقلال» در قبال

شرق و غرب؛ اگر چنین باشد، کاری است بس نادرست و سیاستی است بس زیان بخش. استقلال را با حرف، آتم حرف واهی، که هدفش سوزاندن خشک و تر با هم باشد، نمیتوان حفظ کرد. باید در عمل مستقل بود. مگر شاه مخلوع با همین حرف‌ها و همین شیوه‌ها نمیتوانست که «استقلال» خود را بپوشد برساند؟

نسبت دادن کارهای نا کرده به «شرق» و نشان دادن کشورهای سوسیالیستی پشتیبان انقلاب ایران بر روی نیمکت اتهام، در کنار کشورهای امپریالیستی، که واقفاً علیه انقلاب ایران به توطئه و خرابکاری مشغولند، چه حاصلی برای انقلاب ما دارد؟ چیز مشوب کردن اذهان، جن شریک جرم تراشیدن برای امپریالیسم و جز کستن از سنگینی بار گناهان و جنایات آن؟ آیا کسانی که با این آسودگی خاطر علامت تساوی میان کشورهای سوسیالیستی و کشورهای امپریالیستی رسم میکنند، فکر کرده‌اند که بسا این کار عملاً چه آگاه باشند، چه آگاه نباشند، چه بخواهند، چه نخواهند، به انقلاب مردم ایران زیان میرسانند؟

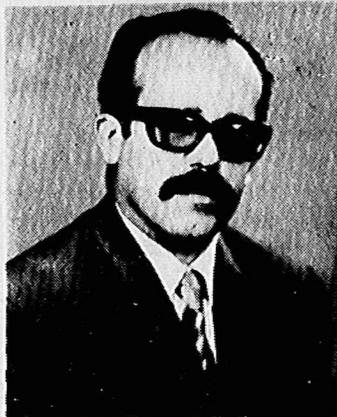
آیا میان امپریالیسم آمریکا، که بر گریک مشت‌جانی و خائنی و جاسوس، که بفرمان دادگاه‌های انقلاب ایران ممدوم شده و میشوند، اشک میریزد و بر انقلاب ایران لجن میپراکند و اتحاد شوروی، که از اقدامات انقلابی این دادگاه‌ها پشتیبانی میکند و از جناح خود را نسبت به واکنش سالوسانه آمریکا اعلام میدارد، جدأ تفاوتی وجود ندارد؟

هر روز، در جریان محاکمات خائنین به مومن مردم مبارز ما، اسرار و اسناد تک‌دنده تازه‌ای حاکی از مداخله «سپا» و «موساد» در امور داخلی ایران فاش میگردد و پرده از دیسپها و تبهکاریهای به شمارسفرها و ستاورها و کارشناسان و کارگزاران امپریالیسم آمریکا در ایران برداشته میشود. کدام سند و مدرکی تاکنون بدست آمده که حاکی از مداخله و خرابکاری «شرق» و «عمال» آن در ایران باشد؟ چرا این گروه‌ها و عناصر، با چنین بی‌مسئولیتی افترا میزنند و کشورهای سوسیالیستی را، که سنگین‌ترین بار مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع را بردوش دارند، متهم میکنند؟

در کيفرخواستی که از طرف دادستان دادگاه‌های انقلاب ایران علیه سر تپ منوچهر وجدی تنظیم گردیده، توطئه‌های این جنایتکار و ژنرال تاپم، رئیس اداره دوم اطلاعات پنتاگون افشاء شده است. در این کيفرخواست از «تحریف و قلب حقیقت اسلام و انقلاب اسلامی و چهره رهبر انقلاب و کمونیستی جلوه‌دادن اقدامات و فعالیت‌هایش و وابسته‌اندستن وی به بیگانه» سخن رفته و گفته میشود که این تحریف و قلب حقایق علیه انقلاب ایران و رهبران امام خمینی، بوسیله همین ژنرال تاپم و سر تپ وجدی، یعنی عمال مزدور امپریالیسم آمریکا انجام گرفته است. آیا کسانی که در تحریف و قلب ماهیت کشورهای سوسیالیستی میکوشند، به این حقیقت تلخ اندیشیده‌اند که بسا این کار خود، عملاً تاسطح این امال امپریالیسم سقوط میکند؟

امپریالیسم، برای حفظ منافع نامشروع خود، پیوسته باین نیرنگ‌ها توسل جست و با گستاخی و بی‌پروائی در برخورد خویش به تحریف و اقیبت‌ها پرداخته و میپردازد. آیا زمان آن نرسیده است که اندام این نیرنگ‌ها دوری جوئیم و مهمت از آن، خود از توسل باین نوع نیرنگ‌ها بپرهیزیم؟

## ۲ سال از درگذشت رفیق توده‌ای عبدالحسین ظریفی گذشت



### مبارزی از

### سوزمین کار،

### آتش،

### نفت و نبرد

حزب ما، حزب شهدا، حزب قهرمانانی است که جان خود را نثار داده توده‌ها کرده‌اند. پنجم تیرماه، سالروز درگذشت یکی دیگر از این مبارزان است، توده‌ای قهرمانی از جنوب، از سوزمین آتش، نفت، کار و نبرد.

رفیق ظریفی در آستانه بهار ۱۳۱۷، در بندر ریگ، در دامان خانواده‌ای روستایی چشم به جهان گشود. زندگی، چون ملبوئها توده در نجرب ایران، در رنج گذشت. ۶ ساله بود که در جستجوی نان با خانواده به آبادان رفت. او با رنج توده‌ها بزرگ شد، به راه توده‌ها، به راه حزب طبقه‌کارگر ایران، به راه حزب توده ایران پیوست پس از کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد، رفیق ظریفی خود را در زندان یافت. وقتی آزاد شد، به آرمان حزب خودفادار بود. بعد از مدت‌ها محرومیت سرانجام توانست به مدارس راه یابد و به تخصص خود بپردازد. رفیق توده‌ای دبیر فزیک بود در کلاس درس، در بین توده‌ها، که فروتن و ساده همواره با آنها می‌زیست، رفیق ظریفی سوسیالیسم علمی را اشاعه میداد، به تجربیان راه بپوشد. رفیق ما، باز خود را در شکنجه‌گاه یافت. اسارت پایان گرفت و رفیق آزاد شد. دیگر به او اجازه تدریس ندادند.

رفیق در شرکت گاز خرمشهر در میان دلچسبران به کار پرداخت. رفیق، گاه که به محل «ویت کنکهای کاله نشین» میرفت، با سرخستی تمام از مواضع حزب توده ایران دفاع میکرد و تمام سفسطها و نیرنگها، زرادخانه آیدتولوژیک امپریالیسم و ارتجاع را بر ملا و رسوا میساخت. او سربلند و تابناک در موضع دفاع از رسالت اندیشه‌های توده‌ای و طبقه‌کارگر ایران می‌ایستاد. دانش و منطق پولادین و عشق بی‌زوال به توده‌ها، بزرگترین خطرها برای ساواک بود. رفیق بازم به زندان افتاد. این بار، شکنجه و تبعید و هوای مسموم ساجا‌های قزل‌قله، کمیته و اوین زندانهای آبادان، بوشهر و شیراز، رفیق را در ۳۹ سالگی به بیماری سل و عفونت ریه مبتلا کرد و سرانجام قسامت پهلوانی او را در پنجم تیرماه ۱۳۵۶ از پای درآورد.

خاطره رفیق قهرمان ما، عبدالحسین ظریفی، که دست‌نکار حزب توده ایران زرمید، گرامی باد!

## چه محافلی شاه مخلوع را به صحنه می‌آورند و هدفشان چیست؟

طی چند روز اخیر که شاه مخلوع، پس از اعمال فشار و توصیه‌های کارگزاران امپریالیسم آمریکا، مانند کیسینجر و راکفلر، و در نتیجه فشارهای دولت آمریکا جهت جلب موافقت دولت کمزیک، از پای‌ها به کمزیک مسافرت کرده است، محافل امپریالیستی و مطبوعات وابسته به این محافل تلاش‌های مصرانه‌ای بکار می‌زنند تا این مطلب را هر قدر ممکن است برجسته جلوه دهند و افکار عمومی را متوجه آن سازند.

تشکیل مصاحبه مطبوعاتی با حضور شصت نفر از خبرنگاران غربی بشاه مخلوع و سوالات مطروحه در این مصاحبه از جانب خبرنگاران و پاسنهای شاه مخلوع و هم‌گواه بريك صحنه‌سازی سیاسی در بريك آمیز است که بر نامه آن، با هدفی مشخص، از جانب امپریالیسم آمریکا از پیش طرح شده است.

این صحنه‌سازی بر زمینه و اهدافی که در ارتباط با تشدید تلاش‌های مذبح‌خانه نیروهای ضد انقلاب و عناصر بازمانده ساواک و طرف داران رژیم مغفور سابق صورت میگیرد. فعالیت ضد انقلاب در مناطق مختلف برای ایجاد اشتناش، ناامنی، حملات مسلحانه به کمیته‌ها و پاسداران انقلاب، از جمله حمله اخیر گروه مسلحی از عمال ساواک به زندان شوش برای ربودن یکی از همکاران خود، دست‌بردهای گروه‌های خرابکار پانزلی‌بان محوری در لوای مریز کردستان و کوششهای آنان برای اجیر کردن افسراد خرابکار، فعالیت‌های بدویز ثابتی منادان ساواک با همکاری سپا و سازمان جاسوسی موساد، در اس‌ال‌هل برای استخدام و سازمان‌دهی و آموزش آدمکشان حرفه‌ای بمب‌سوزان از گروه‌های تروریستی و خرابکار به ایران، همه نمودار برنامه واحدیست که از جانب امپریالیسم

آگاهی و عدم درک مسؤولیت انقلابی می‌توان ارزیابی کرد، که بطور عینی آب به آسیاب نیروهای ضد انقلاب میریزد.

### حکایت

آورده‌اند که قابوس را دیدند نالان و گریان و لرزان و هراسان و از بیم جان، دوان و گریزان، هر سیدندش، چه آفت است که موجب چنین مغافت است؟ گفت: «اعدام آریامهر را، فرمان صادر کردند». گفتندش که «ای پله آریامهر را با تو چه مناسبت و تورا با اوچه مشابهت؟» گفت: «اگر خلق ظلمت‌گویید آریامهر است و پدم الفتح گفتمند آیم، که داغم تخلیس من باشد؟ به دادگاه انقلاب رفتن همان و مفسدنی‌الارض شدن همان و تا سادات از آسوان و نهری از سدودان و شاه از کمزیک و کارتری از پنگ‌دنیا فرا رسید، من بچهاره هفت کفن پوسانده باشم»

## کتابخانه «مردم» در حال تشکیل است منتظر کمک شما هستیم

دفتر «مردم» در کار تشکیل یک کتابخانه است تا بتواند تسهیلات لازم را برای کار هیئت تحریریه فراهم آورد.

از اعضاء، هواداران و دوستداران حزب خواهشمندیم به تحقق این امر لازم و مفید کمک کنند.

هر نوع باهر چاپ، به دفتر «مردم» ارسال دارید. اگر تمسداد کتب اهدائی زیاد است، ننگ بزنید، دفتر «مردم» ترتیب حمل آنرا خواهد داد. باسپاس، «مردم»

مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران فلا هر هفته سه شماره، شنبه، دوشنبه و چهارشنبه منتشر می‌شود. نفعانی، خفیان ۱۶ آذر، شماره ۶۸، تلفن: ۹۳۳۳۵۹ و ۹۳۵۷۲۸

## برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق